

خوشی نسخ بر آن حک شده است

اللهم صل على النبي والوصي والتول والسبطين والسجاد والباقر والصادق
والكاظم والرضا والتقي والزكي العسكري الحسن والحجه القائم الخلف الصالح
محمد المهدي صاحب الزمان صلوات الله عليهم اجمعين ثم المرقد المنور والمشهد
المعطر امامزاده عون بن محمد بن امير المؤمنين علي عليه السلام بسعي ملك خليل
بن خبر بيك في سنة ۹۶۹. (عكس شماره ۶۷)

* سنگ ديگري بر قسمت پائين بدنه غربي امامزاده است كه اين عبارات
در حاشيه آن حك شده است .

هذه المرقد النورانيه والتربة الروحانيه المرحومه المبروره المغفوره
المسمات ترك خانم^(۱) بنت الاعز مر ح علي قريزي بتاريخ شهر ربيع الاول سنة
حمس وتسعين وتسعمائة . قسمت ميان حاشيه ها نقش و نگار ظريفى است . نشانه ها
مهر و انگشتر و تسبيح و رحل و گلاب پاش و گلو بند . (عكس شماره ۶۸)

* سنگ مرمر بلند كم عرصى بر ديوار شرقى است كه پس از ده بيت شعر ،
اين عبارات بر آن حك شده است .

تاريخ وفات مرحمت و عفران پناه آقا محمدزكى ... بن مرحمت پناه ملامحمد
قاسم في بيستم شهر ربيع الاول سنة ۱۱۶۷ .

مسجد صاحب الزمان در محله خانه برماسوله

مسجدي است از حشت و گل با نامى گاي . بر سر ستون قطور اين مسجد ابیات
ريز ، با خط نسخ حك شده بود . (عكس شماره ۶۹) :

شكر لله كه بار شد احيا	مسجد خانه بر و لطف خدا
بیشك آید ملك در اوهر شب	بهر طاعات خالق یکتا
کرد اهل محله سعي بسى	بهر اتمام آن ز روی رصا

بی توقع نمود استادیش
یعنی سلطانعلی نیک فعال
بهر تاریخ سال او سامی
طرح آن از پی رضای خدا
پا بسر چون تمام کرد آن را
عقل گفتا دهد ثواب خدا
عبارت «دهد ثواب خدا» با حساب حمل معادل ۱۱۱۷ هجری قمری است.

بقعه امامزاده هاشم

نزدیک ماسوله در راه طارم

بر سمت چپ رودخانه ماسوله و در سه کیلومتری آن بر سر راه ماسوله به
طارم بقعه امامزاده هاشم است. بنای اصلی بقعه مربع، چهار طرف ایوانی به
عرض دو متر دارد. صریحی چوبین مشبك ساده که داخل آن صندوقی چوبین است
مرقد امامزاده را پوشانده است.
سقف بنا و ایوانها و اشان کشی و لمبه کوبی و بام آن حلب سراسر است. طرف
عربی امامزاده قبرستان عمومی قدیمی است.

بقعه امامزاده ابراهیم

در محل خرو و بن (۱) ماسوله در راه خلخال

بنائی است مربع شکل، چهار طرف ایوان دارد وسط بنای اصلی صریح
و صندوقی چوبین است. سقف بنا و ایوانها و اشان کشی و لمبه کوبی است. بام آن
حلب سراسر است.

بقعه‌های اشکلت (۲)

دریک کیلومتر و نیمی راه ماسوله به فومن در دهکده اشکلت

ملگوف می نویسد که این دو مزار به دست جمشید سلطان که در سال نهصدویازده
هجری حاکم بیه‌یس بوده است، بنا شده‌اند. همومی نویسد که این مزار، کتیبه‌ای
نیز دارد. (۳) از کتیبه‌ای که ملگوف نام برده است، امروز اثری نیست.

(۱) فتح جاء و و او و صم باء (۲) نکرالف و کاف و لام

(۳) حاشیه دریای حرر ملگوف چاپ ۱۸۶۳ ص ۲۴۱.

بقعه زین الدین بن علی علیه السلام در دهکده اشکت است و شامل اطافی است چهارگوشی از خشت و سنگ که بر بالای آن گنبدی است که کمر بند و تاج آن هشت ضلعی است . صندوقی چوبین مشک در وسط بناست ، سقف بقعه و اشان - کشی و لمبه کوبی است و بام آن حلبس است (عکس شماره ۷۰) علم چهارپسر کننده کاری ظریفی در بقعه بود که تاریخ نداشت . مسجدی که باخشت ساخته اند ، متصل به بقعه است .

بقعه عین الدین بن علی علیه السلام بیرون از دهکده اشکت و در دامنه سمت چپ رودخانه ، در ارتفاع ۲۵۰ متری از کف رودخانه ماسوله بنا شده است . بنای این بقعه شامل کفش کن و صحن مربع شکل است که وسط آن صندوقی مرقد عین الدین را پوشانده است (عکس شماره ۷۱) سقف بنا لمبه کوبی ، بام آن حلبس و لبه بام سه پشته است پنجره نورگیر مشک نسبتاً ظریفی در شرق بنا بود . (عکس شماره ۷۲)

باقی بناها و آثار تاریخی ماسوله

- ۱ - در چهار کیلومتری ماسوله زمینهای به نام کهنه ماسوله خوانده می شود .
- ۲ - مسجد جامع متصل به بنای بقعه عون بن محمد حنفیه بن علی علیه السلام .
- ۳ - مسجد محله ریجان بر .
- ۴ - مسجد محله کش سر (۱) علیا .
- ۵ - مسجد محله کش سر سفلی در کرسی سنگ چنن ظریفی ساخته شده است .
- ۶ - مسجد اسد محله .

حدود تنوع

● امامزاده

کوه شاه معلم
●

ماسوله

کوه شاه معلم

● ● ●

● امامزاده ابراهیم

● امامزاده عاتق

● امامزاده یوسف

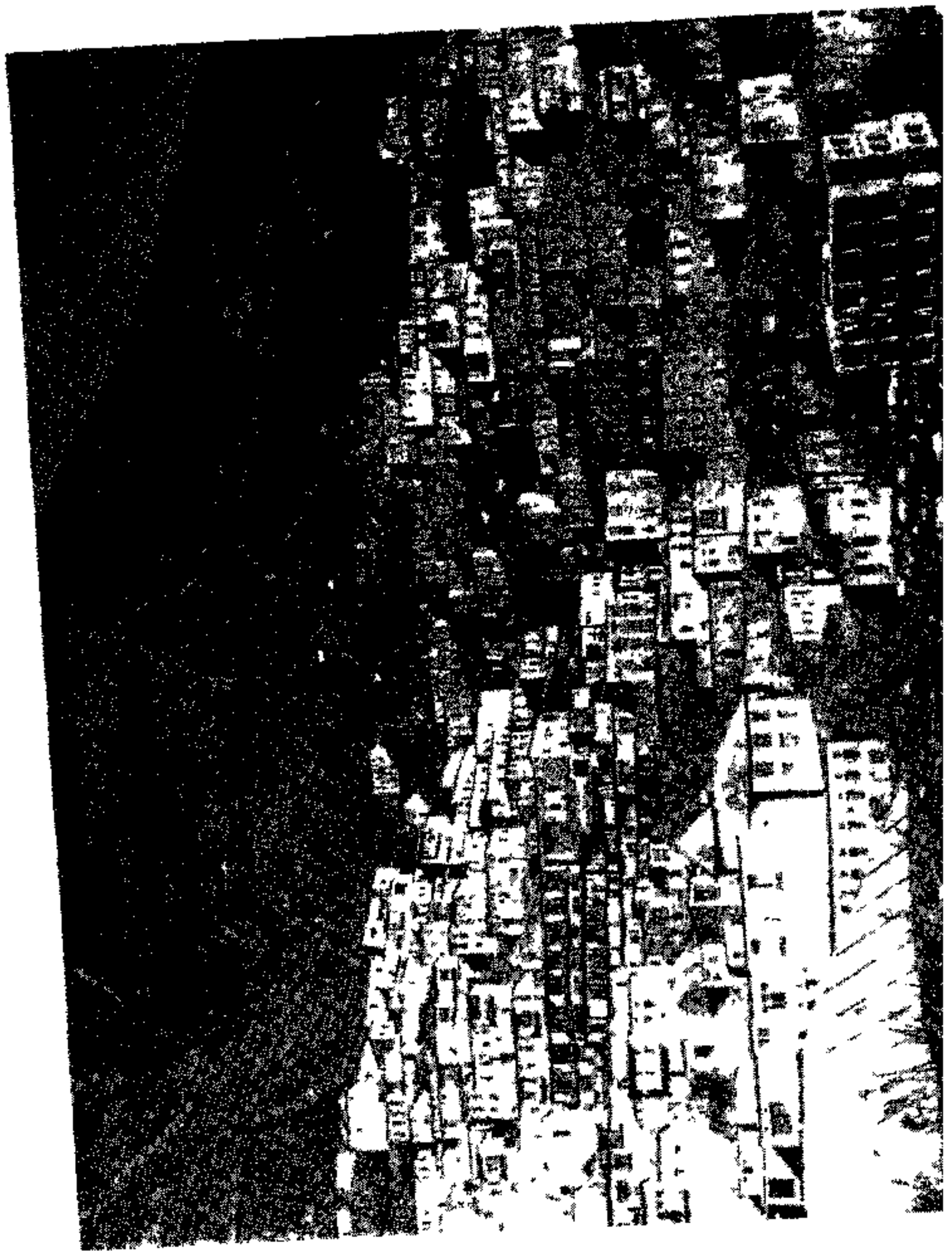
ماسوله

● امامزاده اسحاق

● امامزاده اسفندیار

● قديمگاه

نقشه شماره هشت مقابل صفحه ۱۴ - آثار و سازه‌های تاریخی بخش ماسوله





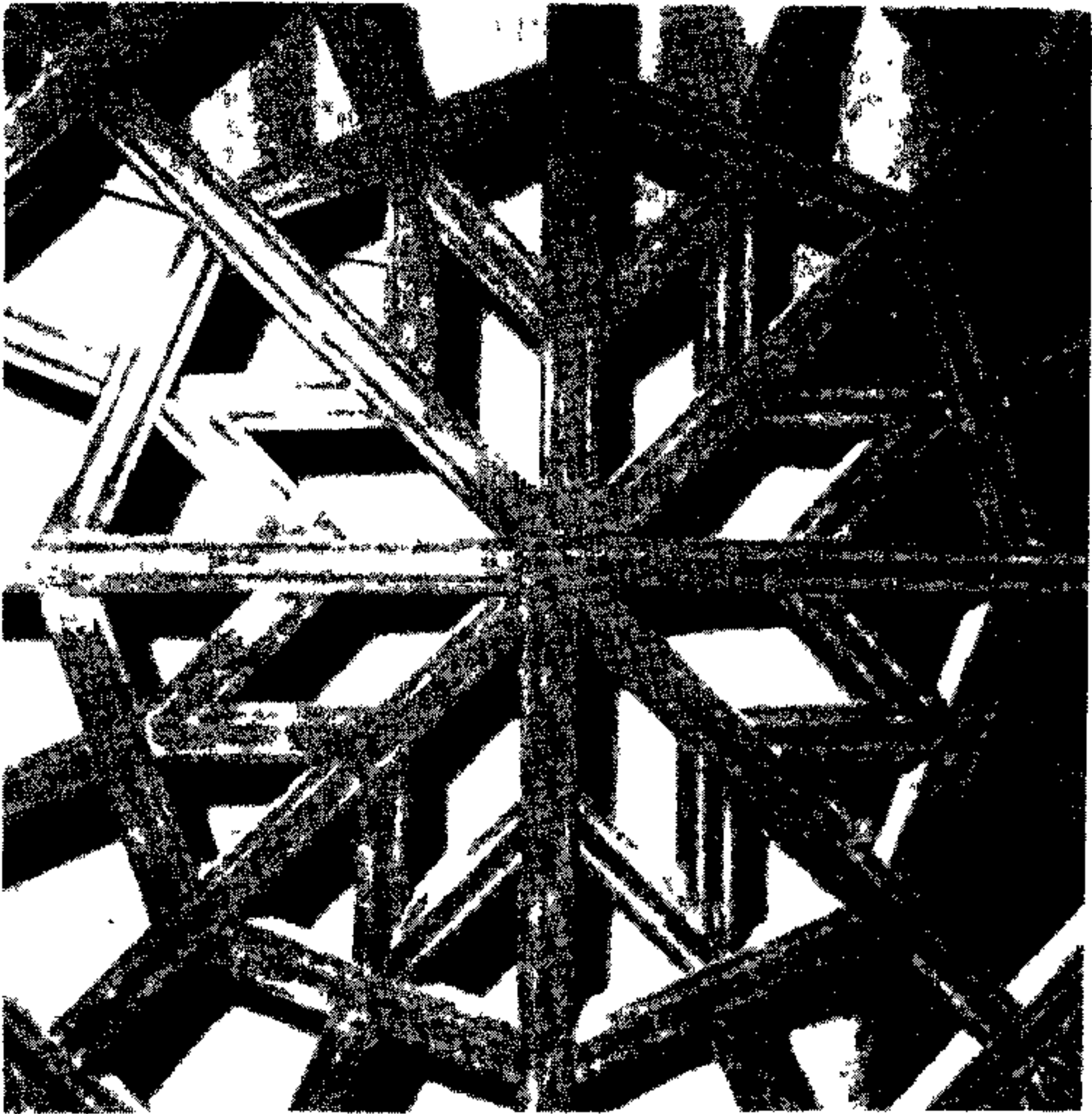
عکس شماره ۶۱ - بقعه عون بن محمد حنفیه بن علی علیه السلام در ماسوله



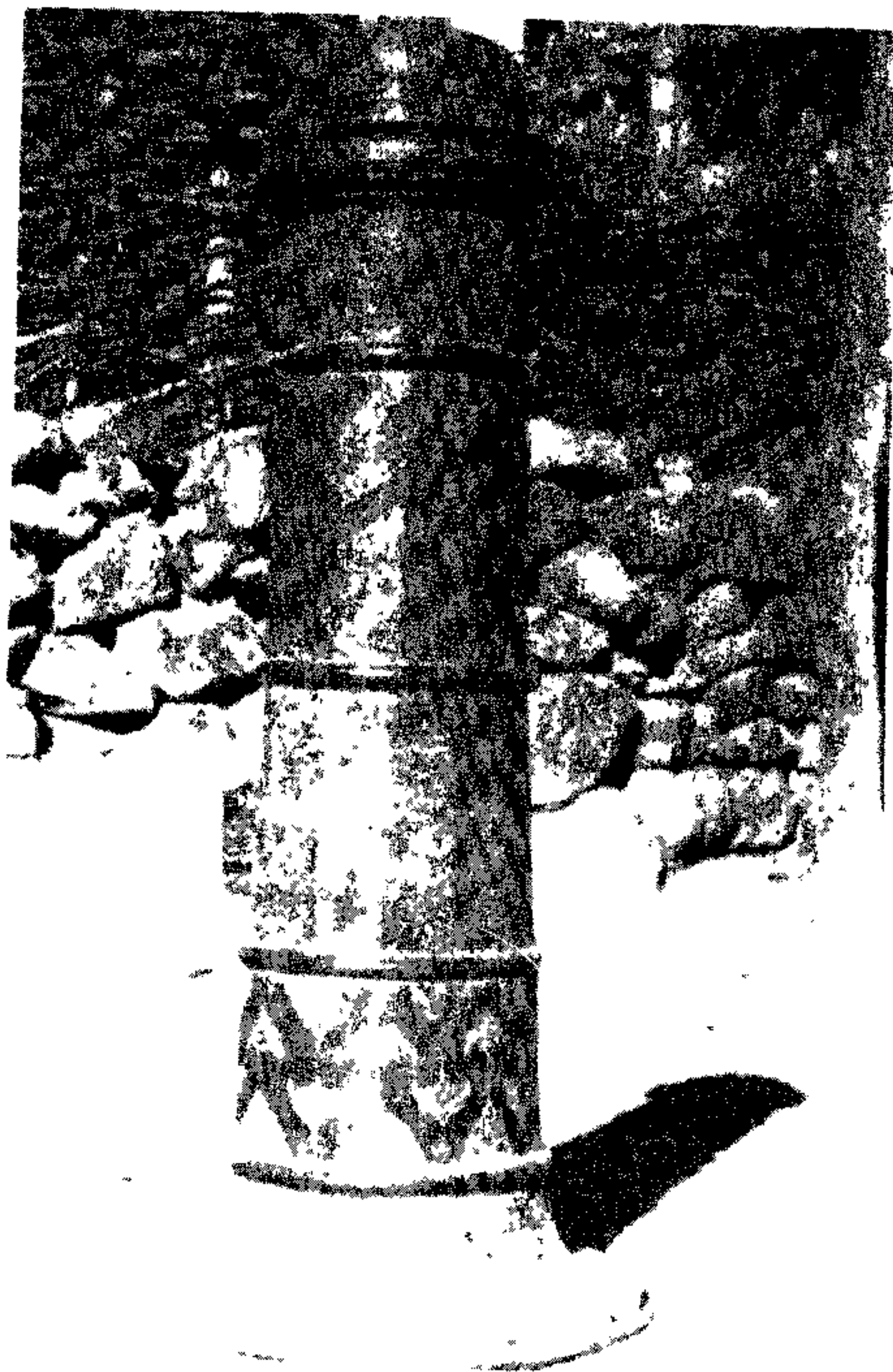
عکس شماره ۶۲ در عربی بقعه عون بن محمد حمصیة بن علی علیه السلام در ماسوله کدمعروف
به در چله حانه است و می گویند که از کاج قلندر شاه به ایسحا آورده اند

عکس شماره ۹۳ - قسمتی از کتیبه کاری صندوق قدیمی عون در مسجد حنیفیه در علی
علیه السلام در ماسوله





عکس شماره ۶۴ - یکی از نگارهای ضریح عون بن محمد جمعیة بن علی علیه السلام
در ماسوله



عکس شماره ۶۵ - شعل بن نجی کمنده کاری طرف با در آن در بقعه عون بن محمد
حنیفه بن علی علیه السلام در ماسوله



عکس شماره ۶۶ - از سنگهای قبور قدیمی که از رواق عون بن محمد خمیسه بن علی علیه السلام بیرون آورده و مردیوار خمیسه بنه نصب کرده اند



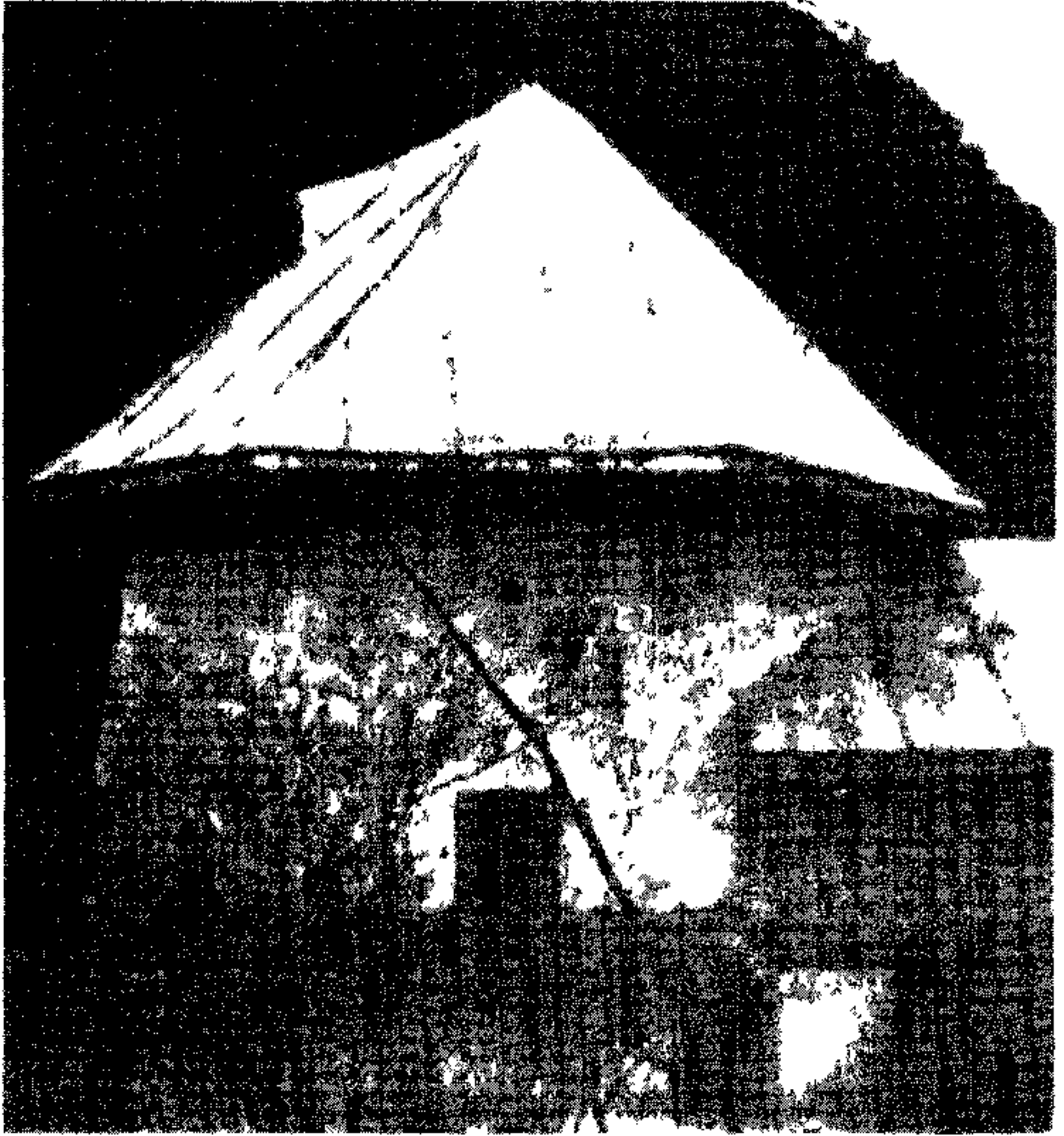
عکس شماره ۲۷ - سنگ تمیز سای نامه عول و محمد حنیفة بن علی علیه السلام در
ماسوله که بر دیوار جنوبی نامه نصب است



عکس شماره ۶۸ - از سنگهای قبوری که از رواق هدیمی عون بن محمد خمینیس علی
علیه السلام بیرون آورده و بر دیوار جنوبی بقعه نصب کرده‌اند.

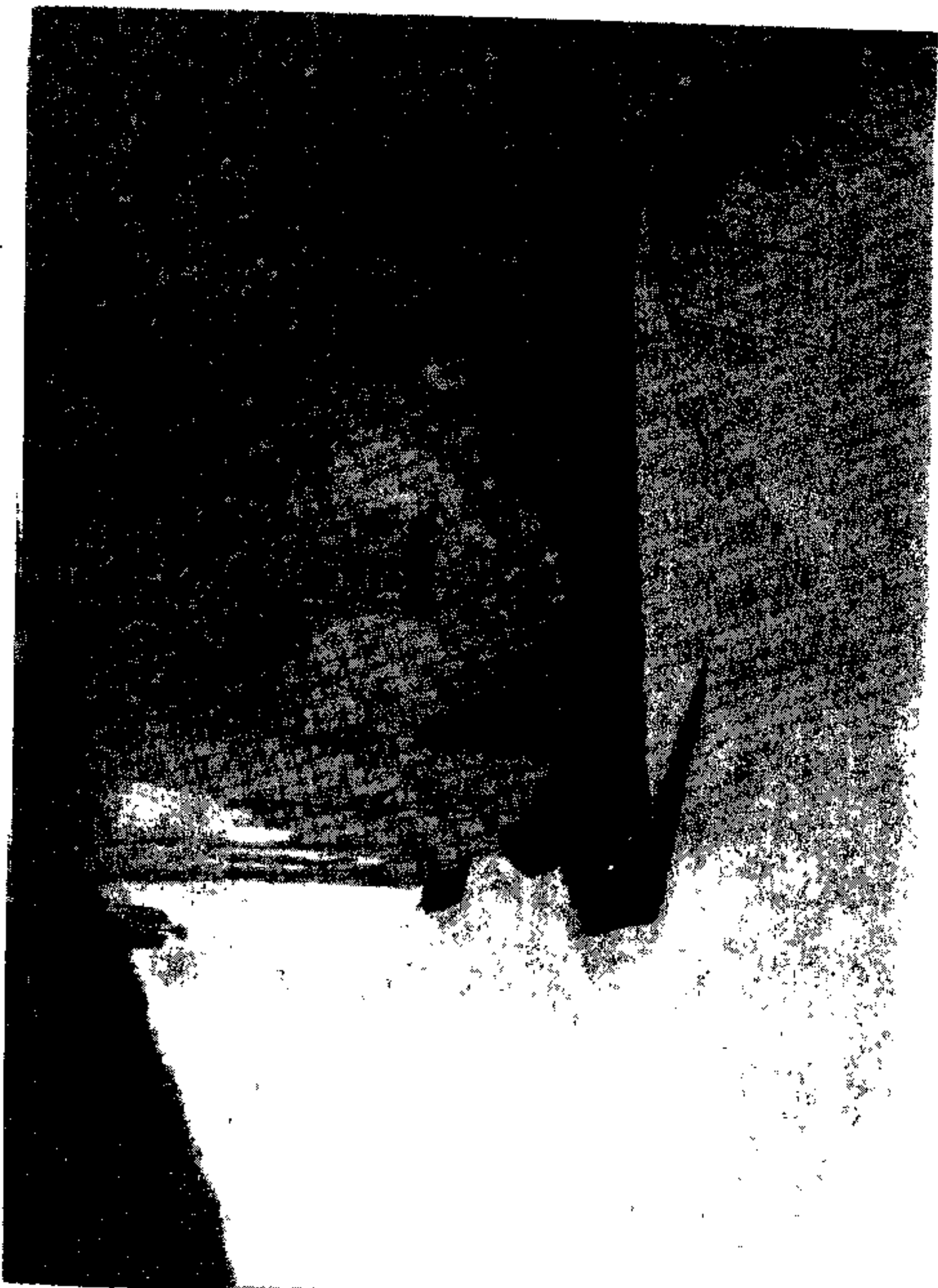


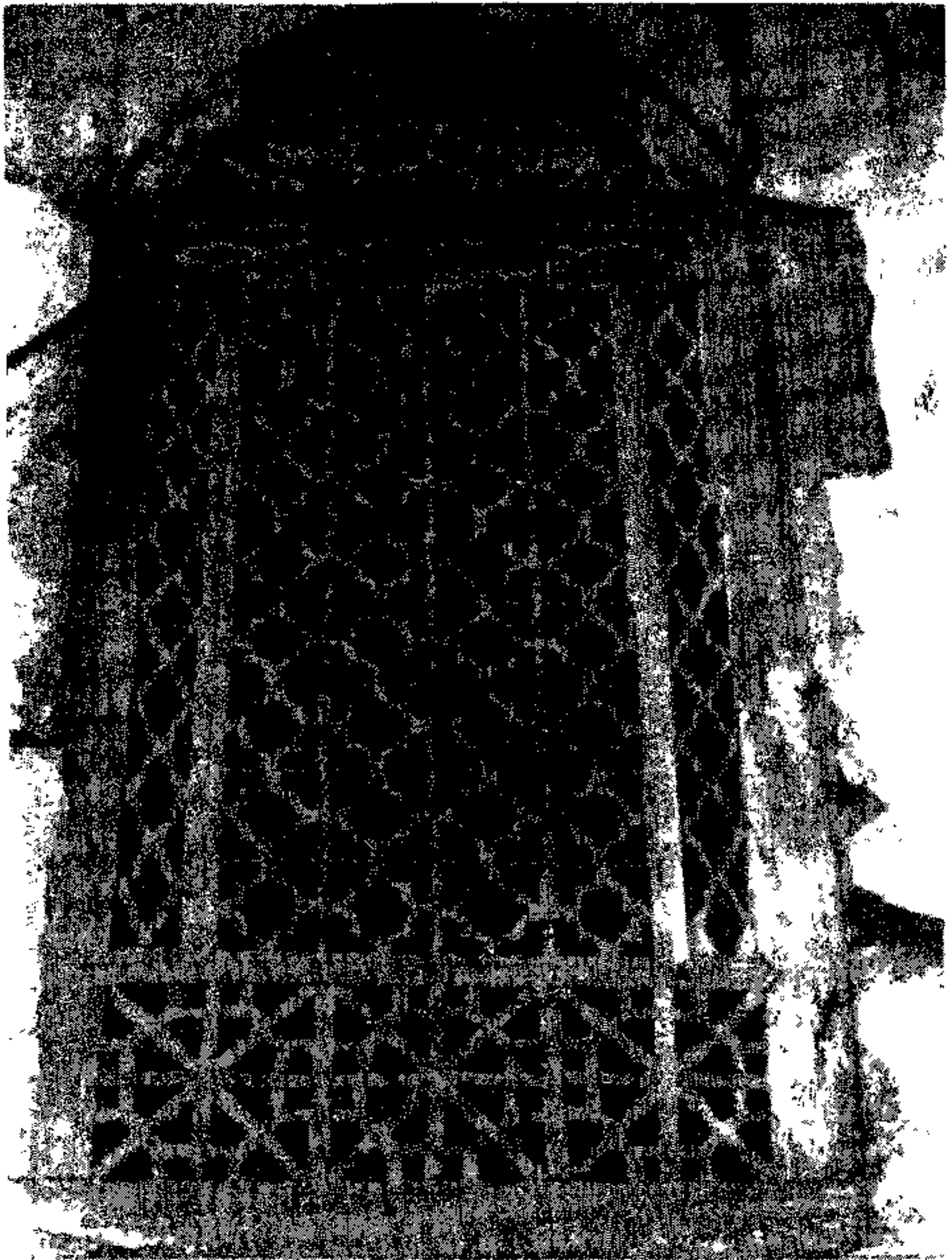
عکس شماره ۶۹ - یکی از ستونهای مسجد صاحب‌الزمان در ماسوله .



عکس شماره ۷۰ - دفعه رین الدین بن علی عاید السلام در دهکده اشکات

مركز شماره ۷۱ رفقة عين الدين بن علي عليه السلام بروك دمشق مؤسسة افكات در راه دومين سهار اوله -





عكس شماره ۷۲ - پدمحورہ ہشتنگ عین الدین من علی علیہ السلام مردیک دھکنہ اشکلت در راہ
فومن نہاسولہ

بخش هشتم

۱ - جغرافیای تاریخی قومن

بخش قومن در غرب جنوب غرب رشت است گذشته از جنوب شرقی این بخش مابقی اراضی آن صاف و هموار است. از شمال به گسکر و مرداب ابرلی و قولم، از مشرق به شفت و رودخانهٔ پسیخان، از جنوب به پشت کوه طارم و کوههای شفت و ماسوله و از مغرب به ماسال محدود می‌شود. درازترین قسمت آن از شمال به جنوب، شش فرسنگ و پهنای آن از شرق به غرب، چهار فرسنگ است. صاحب مسالك الانصار در بارهٔ قومن چنین می‌نگارد:

«سلطان قومن، برخلاف سایر شاهزادگان گیلان، شافعی مذهب است و سلاطین این بخش با وروع این مذهب آشنائی پیدا کردند. هزار سوار زیر دست اوست سلطان قومن و حکمران لاهیجان، بر دو بخش کوچک حکمرانی دارند قسمت اعظم مالیات ایشان از تجارت گرد آوری می‌شود ابریشم بسیار عمل می‌آورند»

سلطان مغول، با سلاطین قومن و لاهیجان معاهدهٔ تجاری دارد. احساس مغولان بدون قید و شرطی وارد حاکم ایشان می‌شود و به فروش می‌رسد و ابریشم فراوانی از این دو بخش می‌خرند و می‌برند این جریان وضع تجاری این دو بخش را بهبود بخشیده است. بخشهای دیگر گیلان نیز اجناس واردهٔ این دو بخش را خریداری می‌کنند. در بخش قومن یا کوههای نزدیک آن معدن آهن است سلطان قومن خود را به خاندان عالی علیه السلام منسوب می‌داند این مرد پشیمان اهل ادب و مردمان لایق است لباس سلطان و سر بازان او مانند پوشش

تیره‌ای از مغولان است. علما و تجار نیز لباسی نظیر همان به تن دارند.
 فومن محل اقامت دابو پسر گیل کاو باره بوده است. پیش از سلطنت شاه
 گیل از سلاطین و حکمرانان فومن اطلاعی در دست نیست علاءالدوله پسر شاه
 عازی رستم، پادشاه مارندران که پس از پدر در سال ۵۵۸ قمری به سلطنت رسید،
 هنگامی که از استندار کیکاوس شکست خورد، به شاه گیل پناهنده شد.
 اسکندر منشی می نویسد که سلاطین اسحق فومن می گویند که بازماندگان
 حضرت اسحق پیغمبرند. رشید الدین فضل الله ایشان را از احقاد ساسانیان
 می داند.

شهر فومن: فومن مرکز بخشی به همین نام و پس از آن تا سال ۹۸۰ قمری
 مرکز تمام ناحیه بیه پس گیلان بوده است در این سال است که جمشید سلطان،
 مرکز حکومت خود را به رشت انتقال داده است. قصر حاچی جمال هنوز در
 فومن برقرار است این شخص در سال ۱۱۵۹ قمری (۱۷۴۶ میلادی)، حان
 التن (Elton) را کشت. این قصر محل اقامت بازماندگان او بوده است.
 حاچی محمدخان نیز در همین قصر زندگی می کرد. در اوایل سلطنت
 ناصر الدین شاه خود او و اطرافیان را به رشت منتقل کردند. از آن وقت فومن
 اهمیت خود را از کف داد و به نام «قصه» خوانده شد و یکی از دهکده‌های مهم
 این بخش به حساب آمد.

در سکه‌های طلا که زمان فتحعلی شاه ضرب شده است، محل ضرب به نام
 «فومن الممارك» خوانده شده است. مورخین محلی قدیم این مرکز حکومت را
 «دارالعماره» خوانده‌اند.

فومن بر ساحل چپ رودخانه گاز رود بنا شده است و به خط مستقیم در
 حدود بیست و یک کیلومتری غرب جنوب غرب رشت است

رابینو می نویسد این شهر سه شنبه بازاری دارد که برای دکانهای آن
 آجری است و بام آنها سفال پوش است و در حدود شش سال است که سردار همایون،

شصت باب دکان در آنجا بنا کرده است. فومن دارای دو محله است. بالا محله شامل: شهر بجار - بوگوراب - پلنگ کل - جهود بجار - گاو حاره و پائین محله شامل: دزدک (بضم دال) - خندق بجار - جهود بجار دیگر است.

ساکنان این بخش: در زمین های هموار این بخش کیلکها ساکن اند و بیلاق و قشلاق نمی کنند. ساکنان اراضی کوهستانی، گالش و تالش اند و زمستان را در دهکده های پای کوه که به نام تالشستان فومن خوانده می شود می مانند و تابستان را به بیلاق می روند. اراضی گیل نشین فومن به نام «گیل فومن» معروف است. دشت نشینان به یکی از لهجه های گیلکی سخن می گویند و گالشان و تالشان به زبان تالشی گفتگو می کنند. معدودی از مردم این ناحیه شیخی و باقی شیعی مذهبند. جمعیت بخش فومن در زمان رایینو (۱۳۳۱ قمری) به پنج هزار و چهارصد خانوار پنج نفری می رسید که رویهم رفته بیست و هفت هزار تن می شوند. از این جمعیت هشتصد و پنجاه تن گالش و تالش اند. راه دشت به کسما از فومن می گذرد این راه را سپهدار اعظم ساخته است.

نواحی فومن: در زمان رایینو (۱۳۳۱ قمری) فومن به پنج ناحیه تقسیم

می شده است:

- ۱- علی آباد که شهر فومن نیز در این بخش افتاده است. از شرق به فیکو، از شمال به لیشاوندان و کسما، از غرب به کسما و لولمان و از جنوب به بیلاق
- شمت ۲- فیکو در شرق علی آباد است. از شمال به شفت، از غرب به وررل (بفتح واو و راء) سیحان و از جنوب به ایشاوندان ۳- کسما، از جنوب به علی آباد و لولمان، از غرب به ماسال، از شمال به گسکر و مرداب ابرلی و تولم و از مشرق به تولم و لیشاوندان ۴- لیشاوندان که به نام فالم (بکسر لام) نیز معروف است. در شرق کسما و جنوب تولم و مغرب پسیحان و شمال فیکو و علی آباد است.
- ۵- لولمان در مشرق علی آباد و جنوب و مشرق کسما و شمال شرقی ماسوله است.

۲ - آثار و بناهای تاریخی بخش فومن

قلعه رودخان

در سمت کلمو متری جنوب فومن (۱)

در دل کوهستان

با اینکه قلعه رودخان مدتها تخت سلطنت و مرکز حکمرانی حکام گیلان به پس بوده ، در متون تاریخی و جغرافیائی موجود ، از این قلعه نامی به میان نمانده است . تنها عبدالفتاح یک بار از کوه قلعه رودخان یاد می کند و می نویسد که امیره شاهرح و کامیاب ، پسران امیره سالار و بنی اعمام حسین خان بودند به دستور حسن خان کهدمی در کوه قلعه رودخان کشته شدند (۲)

خجکو (Chodzeko) می نویسد که در دشت فومن بیش از باقی قسمت های گیلان آثاری است که نمودار محل های دهکده های کهن است سپس در باره قاعد رودخان که دژی است کوهستانی چنین نوشته است :

قلعه رودخان دژی است بر بالای کوهی در قسمت علیای رودخانه ای به همس نام باروی آن از سنگ و آجر است . طرفین در ورودی دو برج دفاعی مستحکم است . بر بالای در کتیبه ای است که مطالب زیر بر سنگی حک شده است .

این قلعه که بنام قلعه حسامی است نخستین بار در سال نهصد و هجده تا سال نهصد و بیست و یک به امر سلطان حسام الدین بن امیره دباح بن امیره علاءالدین اسحقی تجدید بنا شد . این کتیبه را کمال الدین بن محمد گیلانی نوشت عبارات آن از خان احمد شیروانی و تحریر آن از ابن حسین الخراسانی است . (۳)

(۱) از فومن تا گوراب پس ۸ کیلومتر و از گوراب پس تا قهوه خانه کرنلانی مهدی ۵ کیلومتر و از آنجا تا قلعه ۷ کیلومتر است . فرهنگ جغرافیائی اطلاعات زیر را به ما می دهد قلعه رودخان ده جزء دهستان مرکزی شهرستان فومن ۱۲ کیلومتری جنوب شهر فومن قلعه ای قدیمی دارد که به نام سکسار معروف است این قلعه در حدود ۳ کیلومتری جنوب آبادی روی قلعه کوه بنا گردیده (فرهنگ جغرافیائی ایران) (۲) تاریخ گیلان ص ۱۸۳ (۳) این عبارت ترجمه از گیلان زابینو به زبان فرانسه ص ۱۶۶ و ۱۶۷ است و عین متن کتیبه بیست

هدایت خان ، هنگام قیام علیه کریم خان رند ، به تعمیر قلعه پرداخت و توپهایی در آنجا نصب کرد .

راینو پیش از ذکر مطالبی که از خچکو آورده است از این قلعه نام برده و نوشته است: در دهکده‌ای به نام قلعه رودخان ، در علی آباد فومن ، در جنوب غربی دهکده فومن بر حد میان رشت و فومن در جنگل در پای ارتفاعات ، دژی به نام قلعه رودخان است (۱)

دژی که به نام قلعه رودخان خوانده می‌شود ، سومین بنا از بناهای عجیب هفتگانه گیلان است . نگارنده که دژهای زیادی را دیده و مطالعه کرده ، تا کنون دژی به این عظمت و استحکام ندیده است شاید بتوان این دژ را یکی از دژهای عجیب ایران دانست تنها دژی که می‌تواند برابر و همسر او باشد ، قلعه اصطخر فارس است دژهای خراسان و الموت و رودبار و طارم زنجان در مقابل این دژ بسیار کوچک و ناچیزند و شاید مساحت ده دوازده دژ این صفحات مساوی اراضی قلعه رودخان باشد .

این دژ بالای پوزه سوم رشته کوه‌های جنوبی فومن که بردست چپ آب قلعه رودخان است ، بنا شده است و ارتفاع آن از شهر رشت ۶۸۰ متر است در شمال این پوزه کوه ، رود کوچکی است که آب آن به آب قلعه رودخان که در مشرق این پوزه است می‌ریزد آب قلعه رودخان نسبتاً زیاد است و با باران مختصری چندین برابر می‌شود و مایع حرکت سرشارانی بوده است که به طرف این قلعه می‌رفته‌اند ، زیرا مجبور بوده‌اند ، چندین بار این رودخانه را قطع کنند جنگلهای انبوه قدیم نیز مانع دیگری برای حرکت مردان جنگی بوده است . به همین جهت کمتر این دژ ، در دوران آبادانی ممتد خود ، مورد حمله متجاوزین قرار گرفته است .

در ورودی یا دروازه قلعه ، شمالی است (عکس شماره ۷۳) در دو طرف آن

(۱) گیلان راینو ص ۱۷۱ .

دو برج توپر بسیار عظیم ساخته‌اند . (عکس شماره ۷۴) قطر دایره اطاقی که بالای برج است ، از داخل به پنج متر و نیم می‌رسد (نقشه شماره ۷۵) دو اطاق بالای این دو برج فقط از داخل قلعه، مدخلهائی دارند (عکس شماره ۷۶ و ۷۷) ارتفاع در ورودی از کف نام $۶/۵$ متر و ارتفاع میان هلال طاق از کف در ورودی $۳/۵۰$ متر است .

از در ورودی اصلی که به قلعه وارد می‌شویم ، دیوار جنوبی نزدیک است و بیش از بیست متر از در دوم هشتی فاصله ندارد . در ورودی اصلی ابتدای هشتی بزرگی (عکس شماره ۷۸) وارد می‌شود و سپس از هشتی به حیاط قلعه می‌رود . این دو مدخل مسلماً روزی درهای محکم و استوار داشته‌اند . هنگامی که داخل حیاط شدیم ، اگر به دست راست یعنی ، به طرف غرب منحرف شویم ، به اطاقهای متعدد حرابی می‌رسیم و سپس حشمة آبی که منبع اصلی آب قلعه است حاوی ما نمایان می‌شود . معروف است که این آب را ناگنگ (= تنوشه) از بیلاق رود حوبی (بکسردال) آورده‌اند پس از گذشتن از این چشمه با پیمودن فاصله ریادی به بنائی عظیم و مدور بر می‌خوریم که روزی دو طبقه بوده است . و طبقه زیرین فعلاً دارای تونلی است که به خارج می‌رود معروف است که این سمح، فرارگاه قلعه بوده است (۱) با ادامه دادن راه ، به طوری که دیوار جنوبی به طرف دست چپ ماست ، طرف دست راست، بناهای متعدد و زیاد است . تا پس از طی دو بیست متر به قسمت شاه‌نشین می‌رسیم که در منتهایلیه غربی قلعه، در دو طبقه با آجر بنا شده است . دیوار جنوبی و شمالی پس از بالا رفتن از پنجاه پله به این شاه‌نشین وارد می‌شویم دیوار غربی شاه‌نشین ، دیوار غربی قلعه است

طبقه زیرین شامل راهروئی با طاق آجری هلالی از شمال به جنوب است که از وسط این راهرو به طرف شرق راهروی دیگری با طاقی شیب‌دار و پله‌هائی متعدد

(۱) می‌گویند این تونل به دهکده شایب در طارم کنار سمیدرود راه دارد

مارا به دو اطاق طبقه زیرین می‌برد. دو طرف راهروی شمالی جنوبی، پلکانی است که به اطاقهای طبقه بالا و پائین می‌رود. طبقه بالا شامل سه اطاق است، دو اطاق در جنوب و یک اطاق که مسلط بر این دو اطاق است در غرب این دو اطاق بنا شده است. غیر از سقف این اطاق جدا که خراب شده است باقی قسمت‌های بنا از دیوار و سقف و پلکان کاملاً برحاست (نقشه‌های شماره ۷۹ و ۸۰)

اگر پس از وارد شدن از در ورودی اصلی قلعه به طرف شرق رفتیم، بار دیوار جنوبی نزدیک ما است و در طرف دست راست ما قرار می‌گیرد (عکس شماره ۸۱) طرف دست چپ، آثار بناهای مخروبه زیاد است. پس از طی صد و پنجاه متر به سردری می‌رسیم که بالای آن اطاقهایی است (عکس شماره ۸۲) در این جا دو دیوار جنوبی و شمالی خیلی نزدیک یکدیگر می‌شوند پس از عبور از زیر این سر در طی صد و پنجاه متر به بناهای قسمت شرقی می‌رسیم که بسیار در هم ریخته است

در دیوار شمالی (عکس شماره ۸۳) و جنوبی در فواصل نامنظم، برجهائی است (عکس شماره ۸۴) که بالای آنها اطاقهایی هشت ضلعی از آجر ساخته شده و تا امروز تقریباً تمام آنها سالم است. (عکس شماره ۸۵ و ۸۶) آجرهائی برای ناسانان و نگهبانان ساخته اند تعداد این آجرها در دیوار جنوبی بیشتر است. تقریباً تمام برجهای قلعه از بیرون از سنگ تراشیده بنا شده و ارتفاع آنها بیش از ده متر است

مليونها آجر در این قلعه به کار رفته است. آجرها را بدون شك در حلقه گیلان در محلی که حاك مناسب داشته است، پخته اند و سپس بدینجا آورده اند. ابعاد و قطر این آجرها از قرار زیر است:

۴۰ × ۲۳۵ × ۲۳۵ میلی‌متر و ۲۵ × ۲۱۰ × ۲۱۰ میلی‌متر و ۳۵ × ۲۰۰ ×

۲۵۰ میلی‌متر.